

تعامل حاکمان بویه و صفویه با اقلیت‌های دینی با تکیه بر تقریب ادیان

^۱ ایوب طهمزی
^۲ حسین خسروی
^۳ سهراب اسلامی
^۴ احمد بهنیاافر
^۵ علی الهامی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

چکیده

تعامل با اقلیت‌های دینی در تمامی حکومت‌ها امری مهم تلقی می‌گردد و حاکمان بویه (حک: ۳۲۲-۴۴۸ق) و صفویه (حک: ۹۰۷-۱۱۴۸ق) نیز جهت تقریب ادیان و استفاده از علوم و دانش این مجموعه از ساکنین کشورهای اسلامی به این موضوع توجه ویژه داشتند یا خیر، پژوهش حاضر یک پژوهش تاریخی به شمار می‌رود به صورت توصیفی، تحلیلی بوده و موضوعات مربوط به آن از منابع معتبر تاریخی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. مقاله حاضر می‌کوشد چگونگی رفتار این دو دولت با اقلیت‌های دینی را بررسی و تصویری واقع‌گرایانه از رفتار بویه و صفوی با اقلیت‌ها ارائه نماید. نتایج حاصل از تحقیقات نشان می‌دهد که آل بویه و صفوی گرچه شیعه مذهب بودند و طبیعی بود که حاکمان شیعه با اقلیت‌های دینی رفتاری مشابه داشته باشند، اما این دولت بویه‌پیمان بود که عدالت را بین مسلمانان و اقلیت‌ها تحقق بخشید و در اکثر موارد در دیوان‌ها از آنان استفاده می‌کرد؛ اما صفویان در بیشتر دوره حکومت خود نه تنها از اقلیت‌ها در دربارشان استفاده نمی‌کردند، بلکه در بیشتر موارد به حقوق آنان احترام نمی‌گذاشتند حتی با آن‌ها برخورد غیر انسانی نیز داشتند. کلیدواژه‌ها: آل بویه، صفویان، تقریب مذاهب، حکام اسلامی، اقلیت‌های دینی.

^۱- دانشجوی دکتری گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (ayoubtahmazi@yahoo.com)

^۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسئول) (hkhosravi88@gmail.com)

^۳- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (s-eslami@iau-arak.ac.ir)

^۴- استادیار گروه معارف اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (behniafar@yahoo.com)

^۵- استادیار و عضو هیات علمی و مدرس دانشگاه علوم پزشکی تهران (aelhami867@yahoo.com)

مقدمه

با تشکیل حکومت اسلامی توسط حضرت محمد (ص)، پیروان اقلیت‌های دینی مشکل چندانی در زمان حیات ایشان نداشتند و رفتار محبت آمیز حضرت، شامل پیروان اقلیت‌ها نیز می‌شد. پیامبر اسلام (ص) در عهدنامه‌های خود تأکید داشتند که هرگونه تجاوز یا جنگ با اقلیت‌هایی که در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند، ممنوع است (ابن هشام، بی تا: ۱۴۸-۱۴۹؛ ابو یوسف، ۱۳۵۲: ۷۲)؛ اما پس از رحلت ایشان، تبعیض با اقلیت‌ها در قلمرو اسلامی آغاز شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱، ۴۲ و ۴۳) و خلفا نتوانستند در این زمینه به سیره آن حضرت عمل کنند (ابن کثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۲-۶، ۲۲۳). به تعبیر حضرت علی (ع) (حک: ۳۵-۴۰/ق ۶۵۶-۶۶۱م) «آنان اسلام را چون پوستین وارونه می‌پوشند» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۰۷).

پس از دوران خلفا، به تدریج انحراف در دیدگاه مسلمانان نسبت به اهل کتاب پدیدار شد. در عهد امویان (حک: ۱۳۲-۴۱/ق ۷۵۰-۶۶۲م) اهل ذمه مجبور بودند لباس‌های نشان‌دار بپوشند و از مسلمانان تمیز داده شوند. این محدودیت‌ها تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز (حک: ۱۰۱-۹۹ق) رایج بود (بلاذری، ۱۹۹۶م: ج ۸، ۱۵۱).

در دوران عباسیان (حک: ۱۳۲-۵۶/ق ۷۵۰-۱۲۵۸م) نیز با اهل کتاب رفتاری مشابه رفتار امویان با اقلیت‌ها صورت می‌پذیرفت. در دستوری که متوکل عباسی به فرمانداران داده بود، تأکید شده بود که زردشتیان باید لباس‌های نشان‌دار بپوشند تا از مسلمانان تمیز داده شوند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴، ۶۰۳۳).

بعد از گذشت چهار سده از ظهور اسلام، نوبت به ایرانیان شیعی مذهبی آل‌بویه (حک: ۳۲۲-۴۴۸ق) رسید. در سده چهارم هجری و در زمانی که پایتخت خلافت عباسی محلی برای درگیری‌های سیاسی و عقیدتی شده بود و هر آن امکان داشت مسلمانان و پیروان مذاهب مختلف رو در روی هم قرار گیرند و جنگ خونینی به راه اندازند، در چنین اوضاع و احوالی حاکمان آل‌بویه بر بغداد، پایتخت خلافت عباسی مسلط شدند (۳۳۴ق) و به مدت بیش از یک سده حکومت کردند. حکومتگران بویهی همه اختیارات خلفای عباسی را سلب کردند، به طوری که خلفا نتوانستند هیچ گاه به جایگاه قدرتمند اولیه خود باز گردند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۰۳؛ ابن خلدون، ۱۳۶۴: ج ۲، ۷۰۸؛ ناشناس، ۱۳۱۸: ۳۷۹).

پنج سده بعد از بویه‌یان، صفویان (حک: ۹۰۷-۱۱۴۸ ق) به حکومت رسیدند و به مدت ۲۵۰ سال در جامعه‌ای که اقوام مختلفی از یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و اهل تسنن را در خود جای داده بود، توانستند با تشکیل حکومت شیعی امپراتوری عظیم خود را حفظ کنند. در این دوره بیشتر مردم ایران پیرو مذهب تسنن بودند (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۴۷). با توجه به گزارش‌های جغرافی‌دانان، اقلیت‌ها نیز در جای جای قلمرو آل بویه و صفویه حضور داشتند.

پژوهش پیش‌رو، ضمن بررسی شیوه برخورد حاکمان بویه‌ی و حاکمان صفوی با اقلیت‌ها، در پی دستیابی به پاسخ این سؤالات است: ۱- تعامل این دو دولت شیعه با اقلیت‌های دینی چگونه بوده است؟ ۲- چرایی تفاوت این رفتارها با یکدیگر به چه دلیل بوده است؟ با توجه به اینکه هر دو حکومت توسط شیعیان تأسیس گردید، شیوه حاکمان بویه‌ای و صفویان تا چه اندازه به مسئله تقریب ادیان نزدیک بوده است؟ منظور از تقریب ادیان، نزدیک کردن و نزدیک گرداندن پیروان ادیان به یکدیگر، برای خنثی کردن درگیری، کشمکش، بی‌اخلاقی و بی‌ثباتی‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها و رسیدن به نقاط مشترک برای تعاملی سازنده بر مبنای اصول، با در نظر گرفتن رسوم، اشتراکات و احترام متقابل بین پیروان ادیان است.

تعریف واژگان

تقریب مذاهب: رویکردی مبتنی بر تعامل و گفتگوی علمی میان مذاهب، با تکیه بر مشترکات دینی، درعین پایبندی به مبانی مذهبی است که با هدف همزیستی مسالمت آمیز و احترام به دیدگاه‌های دیگر مذاهب پیگیری می‌شود (فخلعی، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۲۲).

در راستای دفاع از تقریب مذاهب اسلامی، به آیه ۶۴ سوره آل عمران که با عبارت «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» آغاز می‌شود استناد شده است که خداوند به پیامبر امر کرده است که اهل کتاب را با اتکا به اشتراکاتی از جمله یکتا پرستی و دوری از شرک، به وحدت دعوت کند. بر این اساس، گفته شده است که هرگاه تقریب ادیان توحیدی در راستای باورهای مشترک ممکن باشد، حتماً می‌توان گفت تقریب مذاهب اسلامی در پرتو باورهای مشترک فراوانی که با یکدیگر دارند ممکن است.

تقریب باید در سه حوزه انجام شود: علم، اخلاق و عمل؛ تقریب عملی، مسائلی مانند سیاست، اقتصاد و همگرایی‌های سیاسی را شامل می‌شود. تقریب اخلاقی هم به این معناست که تعصبات،

فحش و ناسزا و نگاه‌های سوءظن محور به دیگران را حذف کنیم تا یک امت واحد داشته باشیم. اما تقریب علمی به این معنا نیست که حرف‌هایمان یکی شود و این نکته کاملاً طبیعی است. ما باید برای تقریب علمی مشترکات یکدیگر را شناسایی و بر جسته کنیم، اختلافات را با یک قالب علمی مقارن و تطبیقی کنار هم بگذاریم و بحث کنیم و تجربه‌های یکدیگر را برای حل مشکلات جامعه اسلامی به کار بگیریم.

اقلیت دینی:

اقلیت. [أَقْلٌ لِّ لَبِيٍّ] (ع مص جعلی، امص، ا) اندک بودن. اندکی کم بودن. قسمت کمتر، مقابل اکثریت و اقلیت مذهبی؛ گروهی اندک از مردم یک کشور یا یک شهر که پیرو دین یا کیشی مخالف عامه مردم آن شهر یا کشور باشند (لغت‌نامه دهخدا).

قانون اساسی جمهوری اسلامی، این گونه از اقلیت‌های دینی و نیز مذهبی به رسمیت شناخته شده، یاد می‌کند: ایرانیان زرتشتی، کلیمی، صائبی، مسیحی، اعم از آشوریان ایران و ارمنی‌های ایران تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند (اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

پیشینه پژوهش

پژوهشگرانی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه به بررسی و مقایسه رفتار حاکمان آل‌بویه و صفویه با اقلیت‌های دینی به شکل جداگانه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نوشته‌هایی که تنها به بررسی موضوع فوق در دوره آل‌بویه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها به شیوه تعامل آل‌بویه با اقلیت‌های دینی و نقاط قوت و ضعف آن‌ها^۶ و بررسی وضعیت اقلیت‌های دینی در زمینه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی، علمی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته‌اند.^۷ همچنین در مقاله‌ای نیز تنها به عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط مبتنی بر همگرایی میان مسلمانان و زرتشتیان در عصر آل‌بویه در ایالت فارس پرداخته شده است.^۸

^۶- بناب، تعامل آل بویه با اقلیت‌های دینی و مذهبی، انتشارات بین المللی المصطفی (ص) در سال ۱۳۹۸ چاپ نموده است.

^۷- کاظم‌زاده، «وضعیت عمومی اقلیت‌های دینی (مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان و صابیان) در دوره آل بویه»، در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تبریز دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دفاع نموده است.

^۸- اروچی، رضایی، «زمینه‌های همگرایی در مناسبات مسلمانان و زرتشتیان در منطقه فارس (دوره آل بویه ۴۴۷-۳۲۲ ق)» در نشریه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام سال هشتم بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۴ چاپ شده است.

دسته دوم، پژوهش‌هایی است که به موضوع اقلیت‌های مذهبی در دوره صفویه پرداخته‌اند. از جمله این نوشته‌ها می‌توان به مقاله مسیحی و حق‌پرست^۹ اشاره کرد که به معرفی چند اصل کلی از سیره علی (ع) در تعامل با اقلیت‌های دینی می‌پردازد و سپس به شیوه تطبیقی، آن اصول را در سیره حکومتی صفویان بررسی کرده و نواقص آن‌ها را در حکومتشان برجسته می‌کند. همچنین صفی زاده^{۱۰} به سیاست مذهبی دولت صفوی و مبارزه مذهبی صفویان با اهل تسنن، زردشتیان، یهودیان و مسیحیان پرداخته است. علاوه بر آن سعیدی^{۱۱} در پایان‌نامه خود^{۱۱} به برخورد سخت‌گیرانه شاه‌عباس اول با سنیان و مدارای وی با پیروان ادیان دیگر مخصوصاً عیسویان اشاره کرده است. مسیحا و زندیه، به یکسان نبودن روند تعامل حاکمان صفوی با اقلیت مسیحی^{۱۲} و وکیلی و حسینی^{۱۳} محراب^{۱۳} ضمن بررسی مواضع و سیاست‌های مذهبی شاهان عصر صفوی نسبت به اقلیت مسیحی در ایران، به بررسی روابط و مناسبات حکومت صفوی با گروه‌های مذهبی غیر مسلمان از جمله مسیحیان نیز پرداخته‌اند.

با توجه به بررسی پیشینه فوق، نتیجه گرفته می‌شود که پژوهش مستقلی در مقایسه شیوه تعامل حاکمان بویه و صفوی با اقلیت‌های دینی تاکنون انجام نشده است. ضرورت این پژوهش از این حیث دارای اهمیت است که به بررسی سیاست آل‌بویه و صفویان به‌عنوان دو دولت شیعه در قبال اقلیت‌های دینی و تفاوت در این سیاست‌ها پرداخته شده است.

برخورد حاکمان آل‌بویه و صفوی با زردشتیان

استقرار دولتمردان بویهی و حضور آنان در قلمرو خلافت عباسی، این امکان را به زردشتیان داد تا ضمن ماندن در دین و عقیده خود، در عرصه‌های مختلف از جمله در سیاست نیز شرکتی فعال داشته باشند و از عهده نقش‌های سیاسی برآیند. این شایستگی و لیاقت آن‌ها، امرای بویهی را بر آن داشت تا در امور دیوانی، علمی، سیاسی و غیره از آن‌ها استفاده کنند. مانند ابونصر خواشاده زردشتی که خازن عضدالدوله بود (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۱۵، ۱۴۱؛ کلود کاهن، ۱۳۸۴: ۱۲۳). علاقه حاکمان بویه و

^۹ - «مقایسه شیوه تعامل با اقلیت‌های دینی در حکومت امام علی (ع) و حاکمان صفوی» در فصلنامه شیعه پژوهی، در بهار سال ۱۳۹۴، سال اول، شماره ۲، چاپ شده است.

^{۱۰} - «ادیان، مذاهب و اقلیت‌های مذهبی در عصر صفویه» عنوان مقاله ای است از قاروق که در نشریه فکرونظر شماره ۱ چاپ گردیده است.

^{۱۱} - «بررسی رویکرد دینی شاه عباس اول» توسط شکوفه در بهمن سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز دفاع شده است.

^{۱۲} - «بررسی و تحلیل مناسبات شاهان صفوی با اقلیت مسیحی در ایران؛ دوره ضعف و زوال» در بهار ۱۳۹۶ در فصلنامه علمی پژوهشی شیعه پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۰ به چاپ رسیده است.

^{۱۳} - «سیاست مذهبی شاهان عصر صفوی نسبت به مسیحیان» را که در مجله پژوهش در تاریخ، بهار ۱۳۹۰، شماره ۲ چاپ شده است.

مخصوصاً عضدالدوله (۳۲۴-۳۷۲.ق) به سنت‌های باستانی و زبان پهلوی، باعث شده بود زردشتیان از آزادی بیشتری نسبت به پیروان سایر ادیان برخوردار باشند (افسر، ۱۳۵۳: ۵۷-۵۶؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۱۲۱). چنانکه عضدالدوله، نحو را از ابوعلی فارسی زردشتی (م ۳۷۷ ق) آموخته بود و همواره به شاگردی وی افتخار می‌کرد (ابن مسکویه، ۱۳۳۳: ج ۶، ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۳۵۹: ج ۷، ۱۱۵) علی بن عباس مجوسی (درگذشته ۳۸۳ ق) که از شاگردان موسی بن یوسف بن سیار (م ۳۵۰ ق) بود از پزشکان مخصوص عضدالدوله بود (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۲۲۲؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ج ۴، ۲۹۷). رفتار و عملکرد بویه‌یان با زردشتیان چنان بود که وقتی در سال ۳۶۹ق بین مسلمانان و زردشتیان درگیری پیش آمد، عضدالدوله (حک: ۳۳۸-۳۷۲ق) دستور داد عاملین این فتنه را دستگیر کرده و به سزای عملشان برسانند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۱۵، ۱۲۵-۱۲۴؛ ابن عبری، ۱۳۷۷: ۲۳۸). در زمینه فعالیت دیوانی زردشتیان در دوره آل بویه، می‌توان به ابوسعید بهرام بن اردشیر زردشتی کاتب دستگاه صمصام‌الدوله (حک ۳۷۲-۳۷۶.ق) اشاره نمود (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۲۲۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۳، ۶۶۲).

زردشتیان که آداب و رسوم اجتماعی خود را بعد از ورود اسلام به ایران حفظ کرده بودند، در عهد بویه‌یان نیز اعیاد خود را جشن می‌گرفتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۹ و ۴۴۱). آنان دهم بهمن را به آتش افروختن اختصاص می‌دادند. این جشن که به مناسبت گذشت صد روز از شروع زمستان صورت می‌گرفت و به نام «پیدایش آتش» معروف شده بود، بر پا می‌گردید. در این جشن کارگزاران بویه‌یی نیز شرکت می‌کردند (مسعودی، ۱۳۴۷: ج ۲، ۷۵۰). زردشتیان هرچند گاهی نیز توسط مسلمانان مورد سرزنش واقع می‌شدند (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۳: ۱۸۴-۱۸۳)، اما باز هم آزادانه به فرایض خود می‌پرداختند.

تعامل بویه‌یان با زردشتیان به نحو مطلوبی ادامه یافت. طوری که تعدادی از زردشتیان در ایجاد و گسترش مراکز علمی در عهد بویه‌یان نقش ارزنده‌ای داشتند. در این مورد می‌توان از کتابخانه‌ای نام برد که توسط ابونصر شاپور پسر اردشیر (درگذشته ۴۱۶ ق) وزیر بهاء‌الدوله (حک ۳۷۹-۴۰۳ق)، به سال ۳۸۳ق در پایتخت خلافت عباسی تأسیس شد. در این کتابخانه، کتاب‌های بسیار و ارزشمندی چون قرآن کریم و هزاران کتاب دیگر بود. این مرکز علمی بعد از استقرار سلجوقیان دچار آتش‌سوزی شد (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ج ۲۰، ۲۱۷).

همگرایی بویه‌پیمان با زردشتیان تنها به اینجا ختم نمی‌شد؛ وقتی شرف الدوله دیلمی (حک: ۳۷۲-۳۷۹ق) به حکومت رسید، ابو نصر خواشاده زردشتی که پیش‌تر خازن عضالدوله بود و در زندان بود را از زندان بیرون آورد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۴، ۴۸۹؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ج ۳، ۶۵۹-۶۶۱، ۶۶۲). امور دربار شرف الدوله دیلمی نیز به عهده مهیار بن حاتم زردشتی (درگذشته ۴۲۸ ق) گذاشته شد (بغدادی، ۱۹۹۷: ج ۱، ۱۱۶؛ ابن مسکویه، ۱۳۳۴: ۱۳۶).

زردشتیان در زمین‌های مزروعی، به صورت اقطاع یا اجاره و یا به شکل ملک شخصی خود بدون این که از طرف حاکمیت اجباری باشد، فعالیت داشتند. حمایت آل‌بویه از کشاورزان موجب رشد گسترده کشاورزی و بالطبع آن بازرگانی شد و این نوع رویکرد در اقتصاد دوره آل‌بویه پیشرفت شایانی ایجاد نمود. همکاری زردشتیان با حاکمان و وزرای بویه‌پی، منجر به همگرایی و رشد اقتصاد، تجارت و توسعه بازرگانی گردید (توحیدی، ۵۴۵: ۱۹۵۶).

یکی از اقلیت‌های دینی زمان صفویه، زردشتیان بودند. پیروان این اقلیت دینی، به علت عدم استقبال اولین شاه صفوی (شاه اسماعیل) از آن‌ها و پرداختن به دیگر مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اطلاعات زیادی در منابع تاریخی در دست نیست. با توجه به مطالب جهانگردان، زردشتیان مردمانی فقیر بودند. آن‌ها نقش کمی در تجارت داشتند و بیشترشان کشاورز بودند (شاردن، ۱۳۴۵: ۹، ۱۵۸؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۰۷؛ فوران، ۱۳۸۳: ۶۵؛ دلاواله، ۱۳۸۹: ج ۱، ۵۱۱). به نظر می‌رسد در این دوره رفتار صفویان با زردشتیان، همچون رفتارشان با پیروان اهل سنت بود (ون‌گورد، ۲۰۱۰: ج ۲، ۵۹).

زردشتیان، در دوره‌ای که شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ق/ ۱۵۸۸-۱۶۲۹م) به حکومت رسید نیز اوضاع خوبی نداشتند طبق دستور شاه‌عباس اول، حدود سه هزار خانواده از زردشتیانی که در یزد و کرمان و دیگر جاها سکونت داشتند، به اجبار، برای فعالیت‌های کشاورزی، به اصفهان رفتند (بویس، ۱۳۹۱: ۲۱۶؛ دره‌هانیان، ۱۳۷۹: ۲۰). همچنین به دستور شاه‌عباس، زردشتیان مجبور شدند منطقه جلفا در اصفهان را ترک کنند تا در اختیار ارامنه قرار گیرد (فلسفی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۱۱۲۶).

بعد از شاه‌عباس که زمام امور به دست شاه صفی (شاه سلیمان) (حک: ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) افتاد، افزایش جزیه، زندانی کردن، رعایت نشدن عدالت و انصاف در درگیری‌های بین زردشتیان و مسلمانان، بیشتر شد. در این دوره، نجس شمردن کافران، دامن زردشتیان را نیز گرفت و باعث اخراج آنان از کرمان شد (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۷۰). بنا به گزارش پولاک، «زرتشتی‌ها که طبق قوانین دینی ایران نجس و ناپاک محسوب می‌شوند حق ندارند به گرمابه‌های مسلمان وارد شوند» (پولاک، ۱۳۶۱:

۳۱. در عهد صفویه زردشتیان مجبور به تغییر دین خود شدند (بویس، ۱۳۹۱: ۲۱۶؛ لاکهارت، ۱۳۸۳: ۶۳؛ متی، ۱۳۸۷: ۳۳؛ نیومن، ۲۰۰۶: ۱۰۶).

بعد از اینکه شاه سلطان حسین (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) به قدرت رسید، دستور داد آتشکده‌های زردشتیان را ویران کنند و مدرسه و مسجد بسازند (لاکهارت، ۱۳۸۶: ۸۴). این دستور که از اندیشه‌های ملاً محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ق) و میر محمدحسین خاتون‌آبادی^{۱۴} (درگذشته ۱۱۵۱ ق) سرچشمه گرفته بود، زردشتیان را بیش از پیش آزرده خاطر کرد (کجباف، ۱۳۸۷: ۱۷۶). پیش‌تر نیز شیخ بهایی (درگذشته ۱۰۳۱ ق) عالم برجسته شیعی در عهد صفویه، هرگونه معامله با زردشتیان، مسیحیان و یهودیان را مکروه و ناپسند شمرده بود، هرچند ازدواج با زنان آنان را جایز می‌دانست (بهایی، ۱۳۱۹: ج ۲، ۲۰۲ و ۲۸۸).

در عهد صفویان، رفتار خشن شاهان با این اقلیت‌ها که توأم با آزار و شکنجه بود، موجب روی گردانی زردشتیان از صفویان شد. بنابراین وقتی محمود افغان (درگذشته ۱۱۳۷ ق) درصدد تصرف کرمان برآمد، به سپاه وی ملحق شدند و کرمان در سال ۱۱۳۱ ق/۱۷۱۹ م به دست محمود افتاد (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۸۱؛ کروسینسکی، ۱۳۸۱: ۷۶؛ صفا کیش، ۱۳۹۰: ۴۰۶).

تاورنیه در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «شمار زرتشتیان کرمان ۱۰ هزار تن و همین شمار در اصفهان زندگی می‌کنند و کار آن‌ها بیشتر بازرگانی، به‌ویژه بازرگانی پشم است و بیشتر با هندوستان در پیوند هستند. هندوها و زرتشتیان از آن‌رو که به بالندگی اقتصاد کشور کمک می‌کردند و نیز در پی گسترانیدن اندیشه‌های دینی خود نبودند، از سوی دولت صفوی بازخواست نمی‌شدند» (تاورنیه، ۱۳۶۶: ۴۵۴).

با بررسی منابع تاریخی که مواردی ذکر گردید، اقلیت‌های مذهبی در ایران در دوره‌های مختلف دچار مشکلات خاص خود بودند و هر یک از حکام بنا بر سیاست خود اقداماتی را انجام می‌داد که بتواند از قوی‌ترین اقلیت‌ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند همان‌طور که شاه‌عباس ارامنه را بر زردشتیان بیشتر مورد عنایت قرار می‌داد، در هر حال منافع حکومتی چه در دوران آل‌بویه و چه صفویه نوع برخورد را مشخص می‌کرد و منافع حکومتی بیشتر از سایر موارد مورد توجه حکام بود، به هر روی، با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان بیان داشت جانب‌داری حاکمان بویهی از زردشتیان و به

^{۱۴} - میر محمد باقر خاتون‌آبادی از علمای سرشناس اواخر دوره صفویه و معتمد شاه سلطان حسین صفوی بوده که آثاری، از جمله ترجمه اناجیل سه گانه را تدوین کرده است.

کارگیری آنان در دربار خود جهت امور اقتصادی و آزادی در انجام فرایض خود بدون محدودیت برخلاف دوران صفویه و مقایسه وضعیت هم‌کیشان آنان در سایر زمان‌ها که با اعمال تبعیض‌های متعدد، مانند آزار و اذیت زردشتیان در عهد صفویان، می‌توان نتیجه گرفت نحوه برخورد و تعامل حاکمان بویی به مراتب بهتر از برخورد حاکمان صفوی با زردشتیان بود اما اینکه اقدام آل‌بویه به تقریب مذاهب منجر شده است را می‌توان در حد محدودی تأیید کرد که در این زمان زردشتیان همانند صفویه در سختی قرار نداشتند و کسب و کار آن‌ها محدود نشده بود و به نحوی که باعث نزدیکی بیشتر مسلمانان با این اقلیت دینی در آن زمان شده است به شکلی که تجارت با آنان را حرام ندانسته و مانند صفویه مردمی که این کیش را داشتند نجس نمی‌دانستند. همچنین حضور زردشتیان در دربار بویی و عدم اجازه ورود هم‌کیشان آن‌ها به دستگاه صفوی، حکایت از این دارد که بوییان در اجرای سیاست تقریب مذاهب موفق‌تر از صفویان عمل نمودند.

آل‌بویه و صفوی در برخورد با مسیحیان

با توجه به گستردگی اصحاب فرق، مذاهب و ادیان در عهد آل‌بویه، حاکمان بویی جهت جلوگیری از اختلافات، نصرانیان را در دولت خود به کار می‌گرفتند و مشاغلی را به آن‌ها می‌سپردند. عمادالدوله (حک: ۳۲۲-۳۳۸ق)، نصرانیان را در دولت خود به کار می‌گماشت و مشاغلی را به آن‌ها می‌سپرد؛ از جمله کاتب نصرانی و وزیر به نام ابوسعید اسرائیل بن موسی که وزارت وی را بر عهده داشت. عمادالدوله او را بسیار دوست می‌داشت و نسبت به وی مهربان بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵، ۳۹۹). معزالدوله (حک: ۳۵۶-۳۶۷ق) نیز از وزیران مسیحی استفاده می‌کرد. وی مسئولیت اداره خزانه را به ابوعلی حسن بن ابراهیم شیرازی مسیحی سپرده بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۵۹). بیشتر مسیحیان کاتب بودند و بسیاری از مقام‌های اداری را در دست داشتند. سیاست حمایت از مسیحیان را سلاطین آل‌بویه و اخلافشان نیز ادامه دادند. عضدالدوله اداره بغداد را به نصرین هارون مسیحی و حکومت اهواز را به سهل بن بشر واگذار کرده بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ج ۶، ۳۹۲؛ همدانی، ۱۹۶۱: م ۲۰۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۵: ۱۱۸؛ بجنوردی، ۱۳۶۷: ۱۰، ۵۹۹). وی از ابن رزق نصرانی بهره‌مند بود (همدانی، ۱۹۶۱: ۲۰۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۵: ۱۱۸). رئیس دیوان هزینه^{۱۵} یکی از سپهسالاران قدرتمند و از فرماندهان لشکر عضدالدوله، ابوالعلاء عبیدالدین فضل نصرانی نام داشت (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۱۰ و ۴۶۴؛ ابن اثیر، ۱۳۵۱: ج ۱۵، ۱۱۷، ۱۲۲؛ روزراوری، ۱۳۷۹: ۹۲؛ کبیر، ۱۳۶۲: ۵۱، ۱۰۶).

^{۱۵} - خزانه داری کل

در قلمرو بویهیان، پیروان ادیان مختلف، ضمن اینکه از آزادی برخوردار بودند، به فعالیت‌های خود نیز می‌پرداختند. مسیحیان نیز به اموری چون طبابت، کشاورزی و تجارت اشتغال داشتند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۷۰-۴۸۲). مسیحیان در دوره آل بویه بیشتر تاجر، بازرگان، پیشه‌ور، کسبه و خزانه‌دار بودند. آنان بیشتر در نواحی بغداد، بصره، عمان و بندر سیراف و بندرها فعالیت داشتند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۵۹؛ زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۵۱). معزالدوله، مسئولیت اداره خزانه را به ابوعلی حسن بن ابراهیم شیرازی مسیحی سپرده بود. این مسئولیت در دوره ای که عضدالدوله حکمرانی می‌کرد، بر عهده ابوعلی مکیخای مسیحی بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۵۹). مسیحیان اوراق بهادار و اوراق اعتباری را به عنوان وسیله پرداخت به کار می‌بردند. فعالیت‌های تجاری و بازرگانی را که خود موجب جذب مقادیر زیاد از طلا می‌شد را نیز باید به این عوامل افزود (سعیدالشیخی، ۱۳۶۲: ۱۲، ۱۳؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۲۲).

سرسلسله صفویان اسماعیل صفوی (حک ۹۳۰-۹۰۷ ق/ ۱۵۲۴-۱۵۰۱ م)، مادری مسیحی داشت. همین امر کافی بود تا مسیحیان به سوی او گرایش داشته باشند (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۴، ۴۳۸؛ راین، ۱۳۴۹: ۱۶-۱۷؛ درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۱۰). به نظر می‌رسد مسیحیان در دوران حاکمیت حاکمان اولیه حکومت صفویان، زندگی مطلوبی داشتند. اما همان اندازه که حکومت به جانشینان آنان می‌رسید، اوضاع مسیحیان نیز تحت تأثیر سلاطین قرار می‌گرفت.

پس از شاه اسماعیل، فرزندش طهماسب به حکومت رسید. این شاه برخلاف پدرش که با مسیحیان رفتاری نیکو داشت، آنان را نجس و کافر می‌دانست؛ به طوری که وقتی با سفیر مسیحی دیدار و گفتگو می‌کرد، بعد از رفتن سفیر، در جای پای وی خاک می‌پاشید (ترکمان منشی، ۱۳۵۷: ۱، ۱۱۷؛ روملو، ۱۳۴۷: ۳۵۵). البته وی گاهی به حمایت قضایی و بخشش مالیات به مسیحیان نیز مبادرت می‌کرد (کشیشان، ۱۳۷۰: ۴۶۹). در کل رابطه شاه طهماسب اول صفوی با مسیحیان خوب نبود و این را می‌توان از حملات وی به گرجستان و مناطق مسیحی نشین، باشعار «جاهدالکفار» برداشت کرد (ترکمان منشی، ۱۳۵۷: ج ۱، ۲۹۴؛ روملو، ۱۳۷۴: ۲۹۸).

در زمانی که اسماعیل دوم بر اریکه قدرت تکیه داد، همچنان به اقلیت‌های دینی به دید نجاست می‌نگریستند. این طرز نگاه به اقلیت‌ها باعث شد سکه‌ها تغییر یافته و اسمای متبرک امامان حذف شوند. در این دوره باور بر این بود با توجه به اینکه اقلیت‌ها نجس هستند، پس نباید دستشان به نام

امامان که بر روی سکه‌ها حک شده بود تماس داشته باشد (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۴۶؛ افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۳۲؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳۳۴؛ هینتس، ۱۳۷۱: ۱۲۴-۱۲۵).

در خصوص آزادی مسیحیان در عهد صفویان، می‌توان به دوره ای اشاره کرد که شاه‌عباس اول (حک ۱۰۳۸-۹۹۶ ق) به حکومت رسید. در دوره زمامداری وی، اوضاع به نفع مسیحیان تغییر کرد. حمایت‌های وی با آنان این شایعه را تقویت بخشید که شاه صفوی درصدد گرویدن به دین مسیحی است (لاکه‌پارت، ۱۳۴۳: ۱۹۸).

شاه عباس صفوی در اوایل حکمرانی فرمان داده بود مردمی که در شمال ایران ساکن بودند به داخل ایران آورده شوند. این کار باعث شد بسیاری از مردم و مخصوصاً مسیحیان کشته شوند (دره‌هانیان، ۱۳۷۹: ۱۴؛ رائین، ۱۳۴۹: ۲۵). به هر روی، در این دوره، مسیحیان به ساخت کلیساها در بخش‌های مختلف مبادرت نموده، کشیشان و راهبان، مسیحیت را تبلیغ کردند. شاه صفوی نیز در بسیاری از مراسم آنان شرکت می‌کرد (دلاواله، ۱۳۸۹: ۴۵).

در نتیجه توجه شاه‌عباس به آرامنه، برخی از آن‌ها به مراتب نظامی بالا دست یافته و در مصدر کارهای مهم قرار گرفتند. از جمله ایشان می‌توان به ملک شاه نظر و قرچغای خان اشاره کرد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۹۷). شاه‌عباس مانند شاه‌طهماسب اول، از مسیحیان حمایت قضایی و امنیتی به عمل می‌آورد و در این راه حتی متعرضان مسلمانان را نیز تنبیه می‌کرد. حق بازرگانی ابریشم را به مسیحیان واگذار نمود و دیگران را از سهمین شدن به آن بازداشت. چنین بنظر می‌رسد «تخصص بازرگانی و مالی ارمنیان و رابط‌های اروپایی‌شان برای مقصود شاه‌عباس ضروری بود» (سیوری، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

پس از شاه‌عباس اول، شاه صفی (حک ۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۸ م) و پس از آن، شاه‌عباس دوم (حک ۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق / ۱۶۴۲-۱۶۶۶ م) به حکومت رسیدند. در این زمان برخلاف دوره شاه‌عباس اول تعامل سازنده با مسیحیان صورت نگرفت و برخورد شاهان صفوی با این اقلیت دینی همراه با فرار و فرودهای بسیاری بود. قتل یک مسیحی ساعت‌ساز سوئیسی، در زمان حکومت شاه صفی، به جرم کشتن یک جوان مسلمان، صدور فرمان بخشش قاتل و سپس حکم به قصاص وی، به سبب اینکه به تغییر دین خود تن در نداد، نمونه‌ای از نحوه برخورد این شاه صفوی با مسیحیان بود (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۵۲۶-۵۳۰).

زمانی که شاه صفی دوم (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) روی کار آمد، با مسیحیان رفتار خوبی شد، اما به تدریج و با افزایش مالیات‌ها، بازهم مسیحیان تحت فشار قرار گرفتند (کشیشان، ۱۳۷۰: ۷۰). چنین به

نظر می‌رسد فشارهایی که بر این اقلیت دینی وارد می‌آمد، از سوی روحانیان درباری صورت می‌گرفت. زیرا روحانیون گسترش تبلیغات دینی مبلغان مسیحی را بر نمی‌تابیدند (حائری، ۱۳۶۷: ۴۸۶ - ۴۸۷). از رویدادهای غم‌انگیز و تأسفبار عهد صفویان در مورد مسیحیان، اجبار به پذیرش اسلام، ربودن دختران زیبای مسیحی و فرستادن آنان به دستگاه صفوی و قتل و کشتار مسیحیان بود (کمپفر، ۱۳۶۰: ۶۲ و ۶۳؛ کشیشان، ۱۳۷۰: ۱۰۷؛ آقاجری، ۱۳۸۹: ۴۳۸).

مسیحیان در دوره صفویان در عرصه اقتصاد، تجارت و بازرگانی سهم کم‌تری نسبت به سایر پیروان اقلیت‌ها داشتند. با اینکه آنان به خاطر داشتن شم اقتصادی قوی توانستند در تجارت ابریشم گوی سبقت را از سایرین برابیند، اما سهم کم‌تری در تجارت داخلی آن دوره داشتند. حضور فعال آنان، بیشتر در معاملات عمده و حمل‌ونقل ادویه‌جات، شکر و پارچه بود (کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۰۶). آنان از راه خلیج فارس با هند رابطه تجاری برقرار می‌کردند (متی، ۱۳۴۸: ۹۷). در دوره حاکمیت شاه‌عباس دوم، برای مسیحیان محدودیت‌های تجاری تحمیل شد (صفا کیش، ۱۳۹۰: ۳۲۷).

با توجه به مطالب بیان‌شده، نظر به این که در دوران آل‌بویه و صفویه با این که محدودیت‌هایی را می‌توان برای مسیحیان بیان کرد، اما حکام این دوران از منظر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سعی در نزدیک کردن این اقلیت با سایر مذاهب دیگر در کشور بودند و محدودیتی برای پیشرفت آنان قائل نبودند همان‌طور که مسیحیان توانستند در تجارت ابریشم در دوران صفویه موفق عمل کنند و یا این که در دوران آل‌بویه و صفویه مواردی در خصوص تشکیل جلسات و مباحث علمی بین مذاهب برگزار شده است. در حال مسیحیان با توجه به این که از ادیان ابراهیمی بودند وضعیت مطلوب‌تری نسبت به زردشتیان در این دوران داشتند اما بازهم وضعیت در دوره آل‌بویه بهتر از زمان صفویه بود زیرا در این دوران (عهد صفوی) زردشتی‌ها، مسیحیان و یهودیان نجس شمرده شدند.

رفتار آل‌بویه و صفویه با یهودیان

یهودیان در عهد بویه‌ها، ضمن اینکه در اجرای مراسم دینی خود آزاد بودند، بدون ممنوعیت‌های خاص و بدون اینکه لباس نشان‌دار بپوشند در معابر ظاهر می‌شدند (مقدسی، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱م: ۴۲۹). آنان در عهد بویه‌ها توانستند از نظر فرهنگی رشد کنند تا جایی که موقعیتشان از مغرب زمین نیز بهتر بود (هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۰۳). یهودیان در این عهد توانستند در کارهای فرهنگی که محرک آن مطالعه آثار قدما بود، سهمیم باشند (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۳۲، ۴۱۸). نویسندگان

ضمن بیان تعداد جمعیت یهودی و کنیسه‌ها، از وجود مراکز علمی مختص یهودیان که تعدادش را ده عدد بیان داشته‌اند، خبر داده‌اند (متز، ۱۳۶۴: ج ۱، ۵۱-۵۲). یهودیان در عهد بویه‌ها، توانستند به دربار بویه‌ها وارد شوند. از افراد معروف این دوره که در امور بانکی در خدمت سیاستمداران بویه‌ای بودند. برای نمونه، ابوسعیدتوستری سیاستمدار یهودی ایرانی تبار بود (یعقوبی، ۲۵۳۶ش: ج ۲، ۵۱۷؛ هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۵۸). یهودیان همچنین در حوزه پزشکی نیز تا حدودی ایفای نقش کردند. از معروف‌ترین چهره‌های یهودی در عرصه طب، اسحق اسرائیل (م ۳۲۸ ه) و ابن الجزار (۳۹۵ ه) بودند. بعد از آل بویه نیز در سده ششم هجری، طبیبان نصرانی و یهودی همواره در خدمت خلفا و امرا بودند (ابن عبری، ۱۳۷۷: ۲۹۱-۲۹۲).

به سبب درایت و کاردانی حاکمان آل بویه سده‌های چهارم و پنجم را باید دوره پیدایش شیوه‌ای نوین در معاملات مالی و ظهور نظام بانکداری و رواج سفته قلمداد کرد. به نظر می‌رسد مبتکران این طرح یهودیان باشند. این شیوه در جهت تسریع و تسهیل امور بازرگانی سودمند بود و توسط یهودیان صورت می‌گرفت (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۳۳۸؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵، ۴۰۸؛ الدوری، ۱۹۷۴: ۱۸۳؛ هولت و دیگران، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۰۳، ۲۵۸). کار اصلی یهودیان در فعالیت‌های اقتصادی، صرافی بود (قبادیانی، ۱۳۶۳: ۱۱۶؛ القصبی، ۱۴۲۱ ق: ۲۷ و ۵۸؛ زیدان، ۱۳۹۲: ۷۶۵). آنان ضمن قبول امانات از مردم و حفظ و نگهداری از آن، در مقابل دریافت مدرک و سفته، مبادرت به پرداخت پول نیز می‌کردند. این شیوه در جهت تسریع و تسهیل امور بازرگانی سودمند بود و توسط یهودیان صورت می‌گرفت (سعیدالشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۳).

داشتن شم اقتصادی بالای یهودیان، آنان را در شرایط نامناسب اقتصادی که معمولاً منجر به رکود و ضرر و زیان می‌شد، بیمه می‌نمود. بزرگ‌ترین رنجرزان و دباغان از یهودی‌ها بودند. آنان به کارساعات، علاقه و توجه ویژه‌ای داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۴۰۹؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵، ۴۰۸؛ حموی، ۱۴۴۴: ۳، ۳۸۱). یهودیان همچنین در بخش‌های وصول مالیات نیز در عهد بویه‌ها نقش ارزنده‌ای داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۳۳۸؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵، ۴۰۸؛ الدوری، ۱۹۷۴: ۱۸۳). آنان به دستور حاکمان بویه‌ها، به آباد کردن زمین‌های بایر پرداختند و به کشاورزی و کاشتن درختان و زراعت مشغول شدند. بیشتر آبادانی بغداد و شیراز، دو پایتخت حاکمان بویه‌ها به این دوره برمی‌گردد (ر.ک: ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۴، ۴۷۷-۴۸۲).

در اوایل حکومت صفویان، بیشتر یهودیان متحمل سختی‌های زیادی شده بودند (لاکهارت، ۱۳۸۶: ۸۶؛ لوی، ۱۳۳۴: ۱۸۹). در این دوره و مخصوصاً در زمان شاه اسماعیل، یهودیان زیادی توسط عمال حکومتی کور شدند و بیشتر آن‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفتند (آقالدپور، ۲۰۰۵: ۴۴۰-۴۴۱). بیشتر حکام صفوی از جمله شاه‌عباس اول، رابطه خوبی با یهودیان نداشتند. به این دلیل بود که یهودیان باعث مصلوب شدن حضرت عیسی (ع) بودند (شرلی، ۱۳۶۳: ۱۰۱). وی در اقدامی به یهودیان دستور داد تا در عرض یک ماه مسلمان شوند. کسانی هم که مسلمان نشدند طعمه سگان شدند (منشی قزوینی، ۱۳۲۱: ۲۳۸؛ لوی، ۱۳۳۴: ۲۶۰؛ مجموعه الباحتین، ۲۰۱۰: ۹۱). عده یهودیان ایران در زمان صفویان و مخصوصاً زمانی که شاه‌عباس زمامداری می‌کرد ناچیز بود، ولی برخلاف سایر مللی که در اقلیت بسر می‌بردند با هم متحد و موافق نبودند و گاه با ایجاد اختلاف و دو دستگی مایه زحمت و عذاب هم‌کیشان خود می‌شدند (فلسفی، ۱۳۴۵: ۳، ۹۸).

نجس شمردن اهل کتاب در عهد صفوی، باعث می‌شد یهودیان بمانند مسیحیان و زردشتیان در عذاب و گرفتاری باشند. به نظر می‌رسد تنفر از یهودیان و نجس دانستن آنان در عصر صفوی، از دید روحانیان درباری، به منزله اسلحه‌ای برای پیشبرد مقاصدشان بود (لوی، ۱۳۳۴: ۴۶۸). در میان سلاطین صفوی، شاه صفی، رفتار مناسبی با یهودیان داشت. وی در دستوری از یهودیان خواست، آن‌هایی که به دستور شاهان قبلی و از سر ترس و اجبار مسلمان شده بودند، به دین خود بازگردند. سخت‌ترین دوران یهودیان در عهد صفویان، دوره‌ای است که شاه‌عباس دوم به حکومت رسید. در این دوره یهودیان را مجبور کردند دین خودشان را تغییر دهند (صفا کیش، ۱۳۹۰: ۳۲۷). قوانین، ممنوعیت‌ها و احکام سختی در مورد تعامل با یهودیان تدوین و صادر گردید (لوی، ۱۳۳۴: ۴۰۸). علامه مجلسی در صواعق الیهود برای یهودیان دوره صفوی شروطی سخت‌گیرانه اعمال کرده بود که باید از مسلمانان تمیز داده شوند (مجلسی، ۱۴۱۴: ۵۲۰-۵۲۱). همچنین با اینکه شیخ بهایی هرگونه معامله با یهودیان را مجاز نمی‌دانست (بهایی، ۱۳۱۹: ج ۲، ۲۰۲ و ۲۸۸)، اما آنان به فعالیت‌های تجاری و بازرگانی خود می‌پرداختند (جعفرپور؛ ترکی دستگری، ۱۳۸۷: ۸). یهودیان در این دوره توانستند بازار مهم مبادلات ارزی را در اختیار بگیرند. صرافی‌های آن دوره بیشتر در دست یهودیان بود. بیشتر یهودیان در تجارت، بازرگانی و اقتصاد دوره صفوی حضوری فعال و در اصفهان نیز کاروانسراهای مخصوصی برای خود داشتند (صفا کیش، ۱۳۹۰: ۳۲۶).

با توجه به آنچه آمد، در عهد بویه ای برخلاف دوره صفوی، رابطه حاکمان آل بویه نسبت به یهودیان بهتر بود. در دوره صفویه تقریب مذاهب بین یهود و مسلمانان نه تنها ایجاد نشد بلکه باعث رنجش و آسیب زیادی نیز در بین یهودیان ایجاد گردید.



نتیجه

با توجه به آن چه ذکر شد، می‌توان بیان داشت جانب‌داری حاکمان بویهی از زردشتیان و به کارگیری آنان در دربار خود و مقایسه وضعیت هم‌کیشان آنان با اعمال تبعیض‌های متعدد، آزار و اذیت زردشتیان در عهد صفویان، می‌توان نتیجه گرفت نحوه برخورد و تعامل حاکمان بویه‌ای به مراتب بهتر از برخورد حاکمان صفوی با زردشتیان بود. این که گفته شود زردشتیان در عهد بویهی از آزادی‌های بیشتری نسبت به دوره صفوی برخوردار بودند، سخنی به گزافه نیست. حضور زردشتیان در دربار بویهی و عدم اجازه ورود هم‌کیشان آنان به دستگاه صفوی، حکایت از این دارد که بویهی در اجرای سیاست تقریب بین ادیان موفق‌تر از صفویان عمل کردند.

در خصوص مسیحیان و مقایسه تعامل حاکمان دو دوره با این اقلیت دینی، به نظر می‌رسد رفتار بویهی نسبت به صفویان، از ثبات بیشتری برخوردار بود. زیرا رفتار بعضاً آمیخته با خشونت صفویان با آنان این مطلب را ثابت می‌کند که تعامل بویهی با مسیحیان بهتر از حاکمان صفویه بود. از سیاست‌های بویهی، نزدیک کردن پیروان ادیان و مذاهب و فرق مختلف بود و در این راستا حاکمان آل‌بویه و وزیرانشان، تقریب بین ادیانی را در بین مسیحیان و مسلمانان به وجود آوردند و گوی سبقت را از صفویان ربودند. البته با مواردی که اعلام گردید، نقش صفویان در تقریب بین ادیانی، اصلاً قابل مقایسه با بویهی نبوده است.

نحوه برخورد مناسب و تعامل حاکمان و وزیران آل‌بویه با یهودیان و به کارگیری آنان در عرصه‌های گوناگون و ارج نهادن به آنها، در مقابل نجس و کافر شمردن پیروان همین اقلیت در دوره صفویه و نیز کور کردن چشمان یهودیان و محدود و ممنوع کردن آنان، همان اندازه که به یهودیان ساکن در قلمرو بویهی این فرصت را داد تا در دستگاه بویهی در ابراز اندیشه‌های خود آزاد باشند و در پیشرفت جامعه اسلامی سهیم باشند؛ همان اندازه در عهد صفویان در انزوا قرار گرفتند. سیاست اتخاذ شده از طرف حاکمان آل‌بویه که بر مبنای سیاست تقریب بین ادیان بود، باعث شد اقلیت‌های دینی بخصوص زردشتیان، مسیحیان، یهودیان و غیره در اداره کشور در حوزه‌های مختلف، حضوری فعال، پرشور و تأثیرگذار داشته باشند.

کتابنامه :

قرآن کریم

آقاجری، هاشم (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران: طرح نو.

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۱). کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، جلد ۱۵، ۱۳، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران.

(1382) _____ الکامل، جلد ۱۰ و ۱۱، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: انتشارات

اساطیر.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۳۵۹ هـ). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، جلد ۷، حیدرآباد دکن (هند)، دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۵۹ هـ.ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون (العبر)، جلد ۳، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن عبری، غریغوریوس بن هارون (۱۳۷۷). مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۳۴ هـ). تجارب الامم و تعاقب الاهمم، تصحیح ه.ف، مصر: آمد روز. (1376) _____ تجارب الامم و تعاقب الاهمم، جلد ۵ و ۶، ترجمه علینقی

منزوی، تهران: انتشارات توس.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه رضا تجدد، بی جا.

(1366) _____ الفهرست، تصحیح محمد نجد، چاپ سوم تهران: امیرکبیر.

ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبئه‌الله (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه، ج ۱، چ ۲، بیروت:

دارالاحیاء الكتاب العربی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹ ق). البدایه و النهایه، ج ۶ و ۸، چ ۵، بیروت: دارالکتب

العلمیه.

ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۵۲ ق). الخراج، قاهره: سلفیه.

افسر، کرامت الله (۱۳۵۳). تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران: انجمن آثار ملی.

- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۵۰). نقاوه الآثار فی ذاکر الاخبار، به کوشش احسان اشراقی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایمانی فر (رویگر)، محمد (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل‌بویه، فارس (استهبان)، ناشر، مؤلف.
- بغدادی، خطیب، حافظ بن ابوبکر احمدین علی (۱۹۹۷ م). تاریخ بغداد او مدینه الاسلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلاذری، احمدین یحیی (۱۹۹۶ م) انساب الاشراف، ج ۸، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- بویس، مری (۱۳۹۱). زرتشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها، (ویراست دوم)، ترجمه ع. بهرامی، تهران: نشر ققنوس.
- بهایی، بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی و نظام‌الدین ساوجی (۱۳۱۹ ه. ق). جامع عباسی، به تصحیح علی محلاتی حائری، تهران: فراهانی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). ایران و ایرانیان (ایران، سرزمین و مردم آن)، مترجم: کیکاووس جاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۶). سفرنامه تاورنیه، برگردان: نوری، ابوتراب، کتابفروشی تأیید اصفهان.
- (1363) _____ سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، بی‌جا: سنایی.
- ترکمان‌منشی، اسکندربیک (۱۳۵۷). تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- توحیدی، ابوحیان (۱۹۵۶ م). مثالب الوزیرین، دمشق: مطبوعات المجمع العلماء العربی.
- ثعالبی، ابو منصور عبدالملک (۱۹۵۶ م). یتیمه الدهر، مصحح محمد محیی‌الدین عبدالحمید، الازهر، مطبعه السعاده، ۴ جزء در ۲ جلد.
- جعفرپور، علی؛ ترکی دستگری، اسماعیل (۱۳۸۷). «روابط دولت صفویه با اقلیت‌های دینی (یهودیان و زرتشتیان)»، مسکویه، دانشگاه آزاد اسلامی ری، شماره ۹.
- جهانگشای خاقان (۱۳۶۴). تاریخ شاه اسماعیل، مقدمه دکتر الله دتا مضطر، راولپندی، ایران و پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی.

- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۵۵). دستورالوزراء، تصحیح سعید نفیسی، چ دوم، تهران: اقبال.
- (1370) _____ ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی، بی‌جا، چاپ اول.
- دروهانیان، هاروتون (۱۳۷۹). تاریخ جلفا اصفهان، لئون میناسیان، محمدعلی موسوی فریدنی، بیجا.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۹ ش). سفرنامه کامل پیتر دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: آفرینش.
- الدوری، عبدالعزیز (۱۹۷۴ م). تاریخ العراق الاقتصادي فی السده الرابع الهجری، بغداد: مطبعه دارالمعارف.
- رئین، اسماعیل (۱۳۴۹ ش). ایرانیان ارمنی، تهران: مصور.
- روذراوری، ظهردین ابوشجاع محمد بن حسین (۱۳۷۹). ذیل کتاب تجارب الامم (حوادث سنه ۳۶۹ الی ۳۸۹ هجری) ویلیه الملحق بذیل الروذراوری و هو الجزء الثامن من تاریخ هلال الصابی (حوادث سنه ۳۸۹ الی ۳۹۳ هجریه)، تحقیق ابوالقاسم امامی، ط الثانیه، تهران: سروش.
- روملو، حسن (۱۳۴۷ ش). احسن التواریخ، تهران: کتابخانه شمس.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹ م). الأعلام، جلد ۴، ط الثامنه، بیروت: دار العلم للملایین.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲). کارنامه اسلام، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۹۲). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر.
- سعیدالشیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۹۲). اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۹، تهران: امیرکبیر.
- شرلی، آنتونی (۱۳۶۳). سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران: نگاه.

- صفا کیش، حمیدرضا (۱۳۹۰). صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران: سخن.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، چاپ ششم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فخلعی، محمدتقی (۱۳۸۷). آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی، تهران، مشعر.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۷۱). زندگانی شاه‌عباس اول، ج ۳، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی.
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- فیگوئروا، دنگارسیادسیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۷۳). سفرنامه ناصرخسرو، با تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات زوار.
- القصبی، سعدبن عبدالعزیز (۱۴۲۱ هـ). اليهود فی عصر البویه، الرياض: الجمعیه التاریخیه السعودیه.
- کرمر، جوئل. ل (۱۳۷۵). احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- کروسینسکی، یودا تادوش (۱۳۸۱). سقوط اصفهان، سید جواد طباطبایی، تهران: نگاه معارف.
- کشیشان، ژزوئیت (۱۳۷۰ ش). نامه‌های شگفت‌انگیز از کشیشان فرانسوی دوران صفویه و افشار، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰). در دربار شاهنشاهی ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۶۰ ش). سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه انجمن آثار ملی، تهران: خوارزمی.
- کجباف، علی اکبر (۱۳۸۷). «درآمدی بر شرایط اجتماعی زرتشتیان یزد از تأسیس سلسله صفوی تا پایان پادشاهی شاه‌عباس اول»، فرهنگ، شماره ۶۸.
- لاپیدوس، ایراماروین (۱۳۷۶). تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا سده هیجدهم، جلد ۱، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: آستانه قدس رضوی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۴۳). انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- (1386) _____ نادرشاه، رضازاده شفق، تهران: نشر ثالث.
- لوی، حبیب (۱۳۳۴). تاریخ یهود ایران، تهران: کتاب‌فروشی بروخیم.
- متحده، روی پرویز (۱۳۸۸). اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه، ترجمه محمد رضا مصباحی و علی یحیایی، مشهد: انتشارات خانه آبی.
- متز، آدام (۱۳۶۴). تاریخ تمدن اسلامی در سده چهارم هجری یا (رنسانس اسلامی)، ج ۱ و ج ۲، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- متی، رودلف. ب (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مطالعه موردی)، ترجمه حسن زندیه، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مجموعه‌ی الباحثین (۲۰۱۰ م). الصفویه: التاريخ و الصراع و الرواسب، بی‌جا: مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۴۷). مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۱ و ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مشیزی، میر محمد سعید بن علی (۱۳۶۹). تذکره صفویه کرمان، با تصحیح باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- مقدسی، شمس الدین (۱۴۱۱ ه). نرم افزار «جغرافیای جهان اسلام»، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- (1361) _____ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۱ و ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸ ش). جواهر الاخبار، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- نظام الملک طوسی (۱۳۷۳). حسن بن علی، سیرالملوک یا سیاست نامه، با مقدمه و تعلیقات به اهتمام: عطاءاله تدین، تهران: انتشارات تهران.
- نوابی، عبدالحسین، (۱۳۶۶). ایران و جهان، تهران: نشر هما.
- همدانی، محمد بن عبد الملک (۱۹۶۱ م). تکلمه تاریخ طبری، بیروت: مطبعه کاتولیکه.
- هولت، پیترمالکوم؛ لوئیس، برنارد؛ لمبتون، آن کاترین؛ سواپن فورد (۱۳۸۷). تاریخ اسلام کمبریج، جلد ۱، ترجمه تیمورقادری، تهران: انتشارات مهتاب.

هیتس، والتر (۱۳۷۱). شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: علمی و فرهنگی.

